

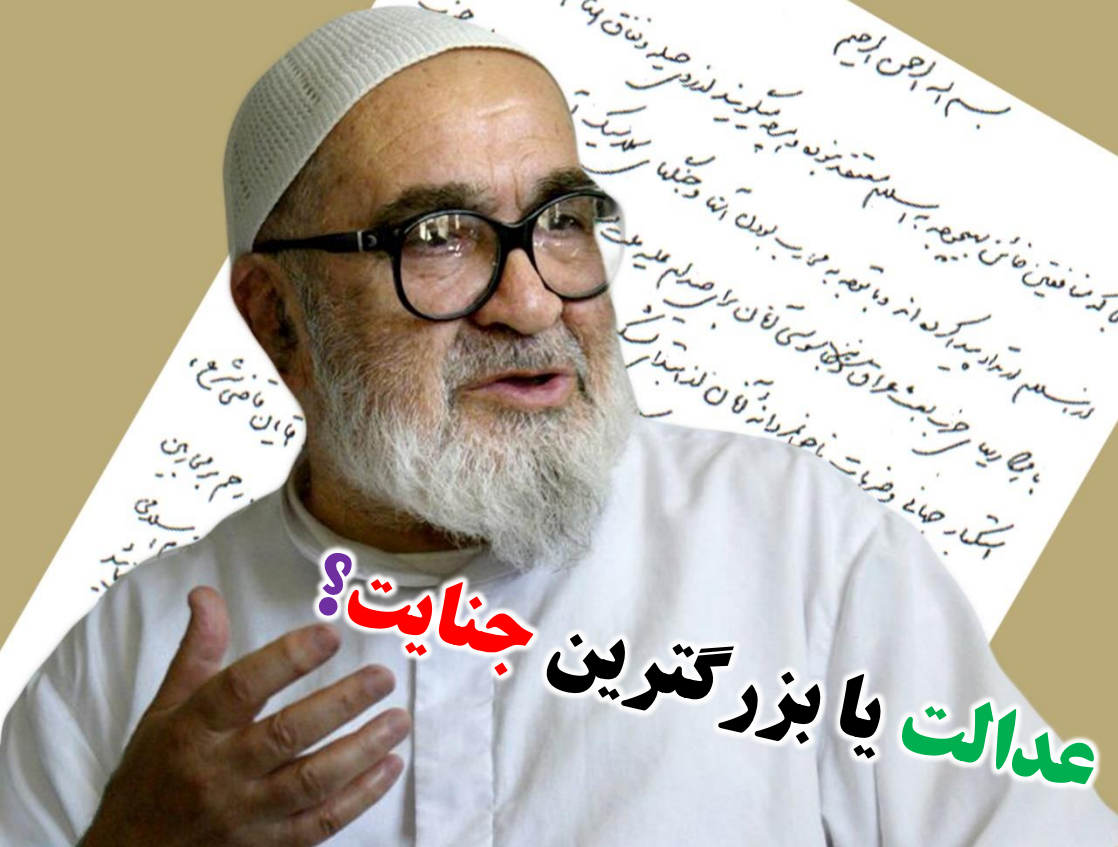
طراز سخن سکه‌ی نام توست  
بقای ابد جرعه‌ی جام توست

# طراز

نشریه گفتمان انقلاب اسلامی، سال اول، شماره دوم، شهریور ماه ۱۳۹۵

آنچه در این شماره می‌خوانید:

- \* بررسی مسئله اعدام‌های سال ۶۷
- \* زبان انگلیسی؛ آری یا نه؟
- \* نفقه زن و حواشی آن
- \* تقدیمی غرب به جوامع بشری



**عدالت یا بزرگترین جنایت؟**



## سخن سردبیر

با نگاهی اجمالی به اعضای تشکل‌ها و فعالین دانشجویی متوجه می‌گردیم اکثریت آنان دانشجویان فنی و مهندسی هستند. دانشجویانی که فعالیت‌های آنان بی‌ارتباط با درسشان است و اغلب نیز به واسطه همین فعالیت‌ها نسبت به سایر هم‌کلاسی‌هایشان از درس عقب می‌مانند.

دانشجویانی که در این فعالیت‌ها حضور دارند به دو نکته باید توجه ویژه نمایند:

اول: اگر این دانشجویان به رشته تحصیلی خودشان علاقه‌مند هستند بایستی با تلاشی مضاعف نسبت به سایر هم‌کلاسی‌ها، ضمن مطالعه هدفمند کتب عمومی، دروس خود را تخصصی دنبال کرده و با مطالعه مقالات علمی، آموختن نرم‌افزارهای تخصصی و... سعی نمایند به یک فرد با تحصیلات بالا و فهم عمیق با چارچوب فکری اسلامی تبدیل شوند.

دوم: اگر علاقه‌مند به رشته‌های علوم انسانی هستند بایستی با جدیت عزم خود را برای تغییر رشته جمع نموده و اصل مطالعه خویش را بر کتب تخصصی علوم انسانی (نه صرف کتب عمومی) گذاشته و در کنار آن دروس رشته خود را به صورت قابل قبول پشت سر گذاشته و در اولین فرصت زمینه‌های لازم برای تغییر رشته را فراهم نمایند.

در هر صورت فعالین دانشجویی باید بدانند که دوران دانشجویی به سرعت برق و باد می‌گذرد و اگر هدف خود را به درستی تعیین نکرده باشند پس از دوران تحصیل آن‌ها می‌مانند و مدرک تحصیلی‌شان که در صورت کاهلی در دوران تحصیل، شامل معدل و نمرات قابل قبولی نمی‌باشد، اگر هم علاقه‌مند به رشته‌شان نبوده‌اند هیچ تخصص دیگری به جز مدرکشان نداشته و لاجرم خلاف میل باید در رشته تحصیلی‌شان مشغول به کار شده که در این صورت به فردی کاملاً معمولی تبدیل می‌شوند یا به سیل بی‌کاران کشور اضافه گردند.

لذا بیش از امروز باید به فکر فردا بود و فعالیت‌های امروز نباید مانع سعادت فردا شود. در شرایط نا به سامان کار و اشتغال در کشور نمی‌توان بی‌هیچ برنامه‌ای برای فردا در دانشگاه فعالیت کرد.

محمد صادق عبداللہی - تابستان ۱۳۹۵

♦ مدیر مسئول و سردبیر

محمد صادق عبداللہی

♦ استاد مشاور

احسان خسروجردی

♦ دبیر بخش سیاسی

جلال راغ

♦ دبیر بخش فرهنگی - هنری

شهرزاد اعتمادی

♦ دبیر بخش اقتصادی

محمد صادق عبداللہی

♦ تحریریه این شماره

شهرزاد اعتمادی، مهسا رجبی، محمد صادق

عبداللہی، مهدی رجبی

♦ تماس با ما

تلفن ثابت: ۰۲۱۶۶۹۶۲۰۵۴

تلفن همراه: ۰۹۱۳۹۹۳۳۰۷۵

ایمیل: [mo.roshangar@gmail.com](mailto:mo.roshangar@gmail.com)

کانال تلگرام: @mo.roshangar

لطفاً نظرات و پیشنهادات خود را جهت انتشار بهتر نشریه به ما برسانید؛ همچنین می‌توانید موضوعات مورد نظر خود را به ما اعلام نموده تا در شماره‌های آینده به آن‌ها بپردازیم.



موسسه پژوهش‌های سیاسی و فرهنگی روشنگر



۲ | اعدام های ۶۷؛ عدالت یا بزرگترین جنایت؟



- ۴ | نفقه زن و حواشی آن
- ۵ | حیات طیبه
- ۴ | زبان انگلیسی آری یا نه؟!۴
- ۶ | تقدیمی غرب به تمدن بشری

منتها در زمینه فرهنگ غربی نکته مهمی وجود دارد که من دلم می‌خواهد شما جوانان به این نکته توجه کنید. فرهنگ غرب - یعنی فرهنگ اروپایی‌ها - عیبی دارد که فرهنگ‌های دیگر، تا آن جایی که ما می‌شناسیم، آن عیب را ندارند، و آن «سلطه‌طلبی» است. این، قطعاً دلایل انسانی و جغرافیایی و تاریخی‌ای دارد. از اولی که این‌ها در دنیا به یک برتری علمی دست یافتند، سعی کردند همراه با سلطه سیاسی و اقتصادی خودشان - که به شکل استعمار مستقیم در قرن نوزدهم انجامید - فرهنگ خودشان را هم حتماً تحمیل کنند. این‌ها با فرهنگ ملت‌ها مبارزه کردند؛ این بد است. ملتی می‌گوید فرهنگ من باید در این کشور جاری شود! این چیز قابل قبولی نیست. هر چند هم خوب باشد، آن ملتی که این فرهنگ بر او تحمیل می‌شود، این را نمی‌پسندد. شما یقیناً خوردن نان و ماست را به میل و اشتهای خودتان، ترجیح می‌دهید به این که چلوکباب را به زور در دهانتان بگذارند و بگویند باید بخوری!

### مهمترین نکته منفی فرهنگ غرب در کلام رهبری

فرهنگ غرب، مجموعه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌هاست. هیچ کس نمی‌تواند بگوید فرهنگ غرب یکسره زشت است؛ نه، مثل هر فرهنگ دیگری، حتماً زیبایی‌هایی هم دارد. هیچ کس با هیچ فرهنگ بیگانه‌ای این‌گونه برخورد نمی‌کند که بگوید که ما در خانه‌مان را صد درصد روی این فرهنگ ببندیم؛ نه. فرهنگ غرب، مثل فرهنگ شرق، مثل فرهنگ هر جای دیگر دنیا، یک فرهنگ است که مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌هاست. یک ملت عاقل و یک مجموعه خردمند، آن خوبی‌ها را می‌گیرد، به فرهنگ خودش می‌افزاید، فرهنگ خودش را غنی می‌سازد و آن بدی‌ها را رد می‌کند. همان‌طور که گفتم، در این زمینه، بین فرهنگ اروپایی، غرب، امریکایی، امریکای لاتین، آفریقا و ژاپن فرقی نیست و هیچ تفاوتی ندارد و در این حکمی که می‌گویم، همه یکسان هستند. ما در مقابل هر فرهنگی که قرار می‌گیریم، به‌طور طبیعی تا آن جایی که می‌توانیم، باید محسنات آن را بگیریم و چیزهایی که مناسب ما نیست - بد و مضر است - و با چیزهایی که به نظر ما خوب است، منافات دارد، آن را رد کنیم. این اصل کلی است.

منبع: بیانات مقام معظم رهبری در جلسه پرسش و پاسخ با

# عدالت بازرگترین بیخاست؛ اعدام های ۶۷؛

آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تا کنون، کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجت‌الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین‌طور در زندان‌های مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است و سوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند اشداء علی الکفار باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک امام (ره) به شرح زیر است: «از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به و مطهر شهدا می‌باشد.»

دکتر یعقوب توکلی در مصاحبه با برهان می‌گوید: «وضعیت مملکت را باید در نظر گرفت. در فضای بعد از جنگ، نیرویی در با شعار مبارزه با امپریالیسم ظهور پیدا در جنگ ستون پنجم دشمن بوده و سپس به کشور لشکرکشی کرده و یک عده‌ای از آن‌ها هم در داخل زندان بسیج شده و می‌خواهند دست به شورش

پس از پخش صوت جلسه آقای منتظری با آقایان رئیسی، پورمحمدی و... بار دیگر مجالی پیش آمد تا مسئله اعدام‌های منافقین در سال ۶۷ مطرح گردد. این مسئله همواره یکی از موارد بوده که ضد انقلاب آن را همیشه بهانه کرده تا به جمهوری اسلامی ایران حمله کند. اما مسئله چیست؟ و واقعیت آنچه بوده است؟ در سال ۱۳۶۷ پس از حمله منافقین طی عملیات فروغ جاویدان مسعود رجوی سرکرده این گروه در پیامی اعلام می‌کند: «بر اساس تقسیمات انجام شده، ۴۸ ساعته به تهران خواهیم رسید... از پایگاه نوژه هم ترسی نداشته باشید؛ هر سه ساعت به سه ساعت دستور می‌دهم هواپیماهای عراقی بیایند و آنجا را بمباران کنند. پایگاه هوایی تبریز را هم با هواپیما هر سه ساعت به سه ساعت مورد هدف قرار خواهیم داد... از طرفی درب زندان‌ها که باز شود آن‌ها هم با ما هستند و با ما همراهی خواهند کرد. نیروهای زندان بالقوه با ما هستند.»<sup>۱</sup>

پس از این پیام و با توجه به تحرکات منافقین در زندان‌ها و برپایی جشن‌ها و سرودخوانی‌ها، حضرت امام خمینی (ره) در پیامی شورایی را مأمور کرده تا بار دیگر به اتهامات زندانیان منافقین در زندان‌ها رسیدگی نمایند و در صورتی که همچنان بر موضع نفاق خود و ضدیت با نظام جمهوری اسلامی تأکید دارند حکم اعدام آنان صادر گردد؛ متن پیام امام (ره) به شرح زیر است: «از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می‌گویند از روی حیله و نفاق آن‌هاست

و به اقرار سران آن‌ها از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند، با توجه به محارب بودن آن‌ها و جنگ کلاسیک آن‌ها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری‌های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آن‌ها برای صدام علیه ملت مسلمان ما و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه‌ی



مسلحانه بزنند. شاید سؤال شود که مگر می‌شود از داخل زندان با بیرون ارتباط برقرار کرد؟ باید گفت اساساً اگر زندانی سیاسی نتواند با سازمانش یا سازمانی نتواند با زندانی سیاسی ارتباط برقرار کند، باید فاتحه‌ی هر دو را خواند. اصلاً اولین کاری که یاد می‌گیرند، نحوه‌ی برقراری ارتباط است. به خصوص در فضای ایران که آن قدرها هم مشکلات ارتباطی جدی وجود نداشت و آن روزهایی که در واقع وضعیت جنگ هم به هم ریخته بود، این‌ها جسارت پیدا کرده بودند؛ نکته‌ی بعدی این‌ها که اگر عملیات منافقین به پیروزی می‌رسید و کشور دست سازمان مجاهدین خلق می‌افتاد منطقه چه وضعیتی پیدا می‌کرد؟ آن موقع «صدام حسین» و «مسعود رجوی» بر خاورمیانه مسلط می‌شدند و دقیقاً چیزی شبیه این وضعیت در جریان «شاه سلطان حسین» اتفاق افتاد که در آن زمان ایران از عثمانی‌ها شکست خورد و آن‌ها بخشی از کشور را گرفتند، روس‌ها هم از طرف شمال آمدند و یک اوضاع عجیب‌وغریبی شکل گرفت. امام (ره) شجاعت به خرج دادند... اگر این اتفاق نمی‌افتاد و جنگ‌های داخلی در کشور شکل می‌گرفت ما در عوض باید صدها هزار کشته می‌دادیم.<sup>۲</sup>

قتل بیش از ۱۷ هزار نفر در داخل کشور، تجاوز به خاک ایران، برگزاری همایش‌های بین‌المللی بر علیه نظام ج.ا.ا، برگزاری نشست‌ها با مخالفین ج.ا.ا، من جمله عربستان سعودی و... تنها گوشه‌ای از جنایات سازمان مجاهدین خلق در سالیان اخیر می‌باشد با این اوصاف آزادی افرادی که همچنان بر سر موضع نفاق خود و همراهی با سازمان مجاهدین خلق بودند در شرایط آن روزهای پرتلاطم پس از پایان جنگ که منافقین کمر به نابودی انقلاب اسلامی بسته بودند تنها کمکی بود بر قدرت گرفت این گروهک و یاری کردن آن‌ها در برافروختن جنگ‌های داخلی علیه ملت مظلوم ایران.

شهید مطهری در کتاب جهاد که متن سخنرانی‌های ایشان در سال ۱۳۵۰ می‌باشد در خصوص مصادیق جهاد می‌فرماید: «سوره برائت... در مجموع می‌گوید به این دلیل با این مشرکان بجنگید که این‌ها به هیچ اصل انسانی، به وفای به عهد - که یک امر فطری و وجدانی است و حتی اگر یک قومی قانون هم نداشته باشند به حکم فطرتشان درک می‌کنند که به پیمان باید وفادار بود- پایبند نیستند، اگر با آن‌ها پیمان هم ببندید و فرصت ببینند نقض می‌کنند، این‌ها هر لحظه فرصت پیدا کنند که شما را محو و نابود کنند محو و نابود آیا می‌گوید اگر شما درباره قومی قرائنی به دست آوردید که درصدد هستند که در اولین فرصت شما را از بین ببرند صبر کن که

که او اول تو را از بین ببرد بعد تو او را از بین ببر! اگر ما صبر کنیم او ما را از بین می‌برد، امروز هم در دنیا حمله‌ای را که مبتنی بر قرائن قطعی می‌باشد که حمله کننده تشخیص داشته باشد که آن طرف تصمیم دارد حمله کند و این پیش‌دستی کند و به او حمله کند، همه می‌گویند جایز است، کار صحیحی کرده؛ نمی‌گویند درست است که تو می‌دانستی و خبرهای قطعی به تو رسیده بود که مثلاً در فلان روز دشمن حمله می‌کند ولی تو حق نداشتی امروز حمله کنی، تو باید صبر می‌کردی و دست‌ها را روی هم‌دیگر می‌گذاشتی تا حمله‌اش را بکند بعد تو حمله کنی! قرآن در همین آیات سوره برائت که شدیدترین آیات قرآن در موضوع جهاد است می‌گوید (کیف وان یظهوروا علیکم لا یرقبوا فیکم الا و لا ذمه یروضونکم بافواهمم و تابی قلوبهم)<sup>۳</sup> می‌گوید این‌ها اگر فرصت پیدا کنند، به هیچ پیمانی و به هیچ تعهدی وفادار نیستند، هر چه که می‌گویند به زبان می‌گویند و دلشان برخلاف است. ... در واقع می‌گویند در این زمینه که شما احساس خطر از ناحیه دشمن می‌کنید، دیگر در اینجا دست روی دست گذاشتن و تأخیر انداختن کار غلط است.<sup>۴</sup>

با توجه به فرمایشات شهید مطهری و قرائن موجود می‌توان گفت از آنجا که امام (ره) به قطعیت رسیده بودند که مجاهدین در کنار هجوم به مرزها درصدد شورش داخلی هستند با تأکید بر شرط ابقا بر مواضع منافق گونه و ضدیت با نظام اسلامی حکم اعدام‌ها را صادر فرموده‌اند و این کار نه تنها عقلانی است بلکه شرعاً نیز صحیح است.

۱. farhangnews.ir/content/۲۲۱۷۳۱

۲. borhan.ir/NSite/FullStory/News/2Id=۱۱۷۷

۳. سوره مبارکه توبه آیه‌ی ۸

۴. کتاب جهاد، صفحات ۹۲ تا ۹۴

# نقشه زن و حواشی آن

به قلم مهسا رجبی

و می‌تواند به تنهایی به ادامه زندگی بپردازد و این نادیده گرفته شدن جایگاه مرد اثرات مخربی متأسفانه امروزه در جامعه داشته است که به نگاهی درست به وظایف هر یک از مرد و زن می‌توان از وقوع چنین مسائلی پیشگیری کرد و مرد با پرداخت نفقه و یا به عبارتی توجه به نیازهای شخصی زن او را وادار به کار بیرون از خانه برای کسب درآمد نکند. البته در این باره لازم به ذکر است که موضوع بحث در این باره متوجه آن دسته از خانم‌هایی که با تحصیلات و رضایت همسر و در جایگاه‌های اجتماعی و مشاغل رسمی مشغول به کار هستند و در صحنه‌های اجتماعی حضوری مؤثر دارند نیست و بدیهی است که مخالفتی با کار کردن زن در مناصب مختلف اجتماعی تا جایی که به کیان خانواده ضربه نزند نیست بلکه روی صحبت با کسانی است که برای تأمین برخی نیازهای اصلی خود مجبور به کار کردن در برخی مشاغل مانند دست‌فروشی و ... هستند که در شان یک زن مسلمان نمی‌باشد و قاعدتاً هم ما آن دسته از خانم‌هایی که نیازهای کاذب برای خود می‌تراشند و به زحمتی در پی رفع آن‌ها هستند از بحث جدا می‌کنیم چرا که تکلیف در این باره روشن است و ما تنها به مردان گوشزد می‌کنیم که کمی بیشتر به وظایفشان و مسائل درون خانه توجه کنید تا محیطی گرم و صمیمی در محل خانواده داشته باشید و تا حضور بیجای یک بانوی مسلمان در صحنه جامعه سلسله‌ای از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی رخ ندهد.

در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی آمده است که؛ "نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج به او به واسطه مرض یا نقصان اعضا"

با نگاهی به مواد قانون مدنی و قوانین حمایت از خانواده که از قرآن و قوانین اسلامی منتج شده است در می‌یابیم که مرد در قبال زن موظف شده است تا احتیاجات او را برآورده کند و نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن را پاسخگو باشد که مجموعاً به آن نفقه گفته می‌شود که از وظایف اساسی مرد است. سختگیری‌های قانونی و دادگاه‌های خانواده حاکی از این است که در برابر عدم پرداخت نفقه توسط مرد به زن واکنش‌های شدیدی در انتظار مرد خواهد بود و تنها در صورت عدم تمکین زن مرد می‌تواند از پرداخت نفقه خودداری کند. با طرح مسائل حقوقی در حوزه خانواده باید نگاهی هم به بازتاب‌های اجتماعی آن داشته باشیم تا اثرات آن را در جامعه بررسی کنیم؛ در خانواده‌های فعلی که مرد وظیفه تأمین معاش خانواده و هزینه‌های اساسی زندگی را بر عهده دارد گاهی نیازهای شخصی زن به دست فراموشی سپرده می‌شود و مرد تصور می‌کند همین که مخارج اصلی خانه و زندگی را تأمین کرده است دیگر در برابر مخارج شخصی همسرش موظفش به پرداخت هزینه‌ای که همان نفقه می‌باشد نیست و این بی‌توجهی سرآغازی می‌شود تا زن در خانه احساس کند

که برای برآورده کردن پاره‌ای از احتیاجات شخصی‌اش نیاز دارد تا کار کند و به

اصطلاح استقلال مالی کسب کند که به مشاغل پاره‌وقت یا تمام وقت روی می‌آورد و زمان زیادی از وقت خویش را که باید صرف خانه و همسر و فرزندان خود کند درگیر کسب درآمد است که همین موضوع استقلال مالی به مرور زمان باعث می‌شود تا زن حس کند دیگر نیاز چندانی به حضور شوهر خود ندارد



# حیات طیب

به قلم مهدی ربیعی



امروزه زندگانی و حیات و ممت ما آمیخته شده است با اعتقادات و باورهایی که داریم. نه تنها در روزگار ما بلکه از همان ازل به همین صورت و منوال بوده است و همین اعتقاد و باورهای انسان است که نوع عمل و رفتارهای فردی و اجتماعی را مشخص می‌کند.

مثلاً در دوره قبل از اسلام میان اعراب رفتارهای بسیار زشت و ناپسندی در میان مردم رواج داشت که ناشی از اعتقادات آن‌ها بود مثل زنده به گور کردن دختران و خوردن غذاهای نامطلوب و... همین طور رفتارهای پسندیده‌ای هم داشتند که حتی در اسلام ناب هم ستوده شده مثل وفای به عهد و شجاعت.

حال، ما در مقام تحلیل و بررسی تواریخ و جوامع بشری نیستیم؛ تلک امة قد خلت... (بقره ۱۳۴)

حرف ما این است که چرا آن امت‌های سلف به سعادت نرسیده‌اند؟ و دیگر سخن ما این است ما که امت حنیف پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هستیم چرا به آن حیات طیبه، مدینه فاضله و کرامت واسعة نرسیده‌ایم!!!! باید دید که چرا به این اندازه مردم در روزگار ما از دین فراری هستند؟

دینی که ضامن سعادت دنیا و آخرت آن‌هاست؟ و حتی خود کسانی که متدین هستند به صدها فکر و صدها تعریف از دین رسیده‌اند و جالب‌تر این که تمامی این طیف‌های مختلف از متدین‌نماها در عمل هم با هم تناقض و تضاد دارند....

راه چاره در این است که بنشینیم و تفکر کنیم، ببینیم آیا همه‌ی باورهایی که در ملک وجود ما هست با حقیقت یکسان و برابر است؟

به همین علت است که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: تفکر ساعة افضل من عبادة سبعین سنة؛ بدین معنا که: ساعتی تفکر در همین ضروریات افضل و برتر از هفتاد سال عبادت و دین‌داری با تعصب و باورهای نابجا است و این همان نقطه‌ی افتراق مؤمن و متدین حقیقی از مؤمن متدین‌نما است: هذا فراغ بینی و بینک (کهف، ۷۸)

## طیب دل‌ها



تبریزی  
ملکی

میرزا جواد آقا

در اصولات مرحوم

آن وقت‌ها که جوان بودم صبح‌ها برای نماز صبح به حرم مطهر حضرت معصومه (ع) مشرف می‌شدم. یک روز صبح که مشرف شدم دیدم در حرم را هنوز باز نکرده‌اند. مرحوم آقا میرزا جواد ملکی تبریزی آنجا قدم می‌زدند. چون مرا دید اظهار لطف کرد و فرمود: بگو ببینم شب‌ها کی پا می‌شی؟ گفتم: آقا! من پا نمی‌شوم. گفت: نه، خوب نیست! در تابستان دو ساعت مانده به صبح، در زمستان چهار ساعت مانده به صبح برخیزید!

خدمتشان عرض کردم: آقا پدر و مادرم اجازه نمی‌دهند که زود برخیزم، می‌گویند ضعیف می‌شوی، (لاغر می‌شوی) و صدمه می‌خوری، از خواب باز نمان. فرمود: هر طور شده آن‌ها را راضی کن، بگو الان یک عده هستند در مجلس انس حق‌اند! شما راضی می‌شوید من از آن‌ها باز بمانم؟ خیلی مطلب بزرگی است آقا! انسان فکر می‌کند ببیند این چه حرفی است. این آقا دارد حال خودش را بیان می‌کند، حتماً خودش در این حال است و این حالات را ادراک می‌کند که چنین می‌گوید.

منبع: کتاب طیب دل‌ها، صفحه ۱۰۵

به نقل از مرحوم حاج میرزا عبدالله شالویی

# زبان انگلیسی آری یا نه؟!

به قلم شهرزاد اعتمادی



زبان علمند.

این چهار جنبه مسائلیست که در رابطه آموزش زبان انگلیسی باید مورد توجه قرار گیرد و مشکلات آن برطرف شود تا کمترین آسیب را به فرهنگ و تفکر افراد جامعه وارد کند و حتی در مرحله‌ی بعد به ابزاری علیه خودشان تبدیل شود. در یک نگاه استراتژیک تبدیل تهدید به موقعیت (مدل صدف و مروارید) و تبدیل تهدید به فرصت (SWOT) به این منظور راه‌حلی به نظر می‌رسد که اگر حساب شده و نظام‌مند به وقوع بپیوندد شاید کمک شایانی به نشر فرهنگ بومی نیز بکند. از آنجایی که متأسفانه زبان انگلیسی زبان رایج ارتباطی در دنیا شده است نمی‌توان آن را به یکباره زدود و یا جایگزین کرد بلکه بایست پله پله از زهر آن بر فرهنگ‌ها و اقوام به خصوص فرهنگ اسلامی کاست به همین منظور در قدم اول بایستی کتب متعدد آموزش انگلیسی متناسب با فرهنگ بومی و اسلامی (در حالت ایجابی) و ضد تفکرات و فرهنگ لیبرالیستی و غربی (در حالت سلبی) نگاشته شود به طوری که آموزنده در حین و پس از آموزش نه تنها بتواند از عقاید خود به زبان دیگر دفاع کند بلکه با زبان خودشان بتواند آن‌ها را نفی کند و باطل بودن مبانی‌شان را با تسلط بر زبان‌شان بشناسند. این مطلب بیانگر این است که کتب از سطوح بالای علمی و

چندی پیش که رهبر انقلاب نکاتی را در رابطه با زبان انگلیسی و خطر رو به رشد آموزش زبان انگلیسی را مجدداً مطرح کردند در ابتدا به نظر میرسید مسئله‌ی جدیدی است اما با مروری سریع بر بیانات ایشان به سادگی می‌توان فهمید که ایشان از سال‌های قبل همواره این مسئله را گوشزد کرده و می‌کنند. موضوعی که با تنیدگی به فرهنگ و سیاست بر بدنه اجتماع و به خصوص قشر نوجوان و کودک که بیش‌ترین تأثیرپذیری را دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. مسئله‌ی آموزش زبان انگلیسی را باید از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد که اصلی‌ترین آن زبان استعمار بودن و همچنین به فراموشی سپرده شدن زبان اصیل فارسی است. جنبه‌ی بعدی بحث فرهنگ غربی می‌باشد که با رواج زبان رایج آن‌ها یعنی انگلیسی بر سبک زندگی ما تأثیر مخربی خواهد گذاشت. نکته‌ی بعد آموزش در سنین پایین و در دبستان‌ها و مهدکودک‌هاست که فرد را از همان بچگی وابسته و غوطه‌ور در زبان بیگانه می‌کند. در سنی که هنوز به لزوم یا عدم لزوم این یادگیری پی نبرده و حتی گویش و زبان بومی خود را به طور کامل فرا نگرفته ناگزیر از آموختن واژگانی غربی خواهد بود. و در آخر محدود شدن به یک زبان انحصاری و مغفول ماندن از سایر زبان‌ها که در واقع آن‌ها نیز



تکنیکی و دامنه لغات پر کاربرد و کلیدی و همچنین سطح بالای محتوایی برخوردار باشد. با این شیوه نه تنها از فرهنگ آلوده غرب وارداتی وجود ندارد بلکه به مرور زمان بسیاری از واژگان از فرهنگ فارسی و اسلامی وارد زبان انگلیسی می‌شود. کما اینکه این اتفاق به صورت محدود رویداده است. در ضمن در صورت بالا بودن کیفیت این کتب می‌توان از آن‌ها برای آموزش انگلیسی در سایر کشورهای اسلامی نیز استفاده کرد. در مرحله‌ی بعد این آموزش‌ها نه از سنین پایین که تأثیرپذیری کودک بالاست بلکه از دوران نوجوانی و جوانی آغاز شود. کودکی که نیاز به ارتباط بین‌المللی ندارد نیازی هم در آموزش برای او وجود ندارد. کار بعدی که باید انجام شود آموزش سایر زبان‌های رایج آن هم درست به شیوه‌ی زبان انگلیسی که در بالا بیان شد می‌باشد. زبان اسپانیایی که کشورهای زیادی را در حوزه آمریکای لاتین شامل می‌شود و زبان فرانسوی که زبان غالب کشورهای آفریقایی است و یا زبان کشورهای شرق آسیا می‌بایست در اولویت باشند. البته با فرض اینکه زبان عربی به صورت بهتر و پرکاربردتری در حال آموزش است. تنها مشکل باقی‌مانده به زوال رفتن واژگان و زبان فارسی است که با اجرایی شدن شیوه‌ی بالا و همچنین عزم جدی سایر ارگان‌ها نظیر صداوسیما آموزش و پرورش آموزش عالی و... در احیای زبان فارسی در ایران و سایر کشورها و در حداقل‌ترین شکل تبلیغ نکردن زبان و فرهنگ غرب این مشکل نیز خود به خود به مرور زمان حل خواهد شد.

در آخر شایسته است به یکی از نکات قابل توجه که رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) در سال‌های متمادی مکرراً بیان فرموده‌اند؛ اشاره کرد:

– من مکرراً گفته‌ام، ملت ما باید به جایی برسد که دانش‌پژوهان عالم، برای اینکه به قله‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند؛ این یک جایگاه تعریف شده است. ما ممکن است پنجاه سال دیگر به اینجا برسیم؛ باشد. (۱۳۹۳/۰۲/۱۰)

– بنده سه چهار سال قبل از این، به جوان‌های دانشجو و اهل علم گفتم که شما باید کاری کنید که پنجاه سال بعد، اگر کسی خواست به تازه‌های علمی آن روز دست پیدا کند، مجبور بشود بیاید زبان فارسی یاد بگیرد؛ این می‌شود. (۱۳۹۵/۰۱/۱۱)

لذا با توجه به وضع موجود گسترش فضای مجازی و روند رو به رشد تعاملات بین‌الملل و جهانی شدن بهتر است بیش از پیش مسئله زبان فارسی و نشر تفکر و اندیشه غربی به وسیله زبان انگلیسی اهمیت داد.



نکته‌ی بعد آموزش در رستان‌ها و مهدکودک‌هاست که فرد را از همان کودکی وابسته و غوطه‌ور در زبان بیگانه می‌کند. در سنی که هنوز به لزوم یا عدم لزوم این یادگیری پی نبرده و حتی گویش و زبان بومی خود را به طور کامل فراموش کرده تاگزیر از آموختن واژگانی غربی فواید بود.

# جامع بشری

## تقدیمی غرب

به قلم مقّم صادق عبداللهی



زن مصداق دارند. روز به روز به تعداد زنانی که کار می‌کنند و در درآمد خانوادگی سهیم‌اند و در خانواده اقتداری به هم زده‌اند، افزوده می‌شود. امروز بسیاری از زنان طبقه‌ی متوسط تحصیلاتشان را تکمیل می‌کنند و پس از ازدواج کار می‌کنند تا نخستین فرزندشان در خانه می‌ماند و از او مراقبت می‌کنند و یا خدمتکار را برای نگهداری از فرزندانشان استخدام می‌کنند تا خودشان بتوانند تمام وقت کار کنند.»

کنار گذاشتن نهاد خانواده اقتضائات خاص خود را دارد. در پی اقتضائات کنار گذاشتن این نهاد تربیت کودکان به مهدکودک‌ها و مدارس سپرده شده و شعار فرزند کمتر زندگی بهتر رواج پیدا کرد، ازدواج به عنوان محدودکننده فعالیت‌های فرد به تأخیر افتاد و ملاک ازدواج برخلاف آموزه‌های دینی نه اخلاق بلکه درآمد بیشتر قرار گرفت. و بدین گونه فروپاشی نهاد خانواده و محور قرار گرفتن نهاد اقتصاد در عصر مدرن آغاز شد.

اندیشمندان بسیاری در خود غرب نیز به نقد این روند پرداخته‌اند. هنرمندانی بسیاری نیز در آثار هنری خود آینده این روند را به تصویر کشیده و خطرات آن را از دریچه هنر به جهانیان اعلام نموده‌اند. برای مثال در فیلم عصر مدرن ساخته چارلی چاپلین به خوبی شاهد اثرات این صنعتی شدن هستیم. چاپلین از صبح زود به سر کار رفته و همچون یک ربات متحرک کار می‌کند. رئیس کارخانه نه تنها به جنبه انسانی کارگران خویش توجهی ندارد بلکه به دنبال آن است که حتی با کاهش ساعات نهار و استراحت کارگران، بیش‌ترین بهره را از آن‌ها ببرد.

جامع بشری در ادوار مختلف خود همواره با پنج نهاد اساسی مواجه بوده است. این پنج نهادی عبارتند از نهاد خانواده، نهاد آموزشی، نهاد مذهبی، نهاد اقتصادی و نهاد سیاسی. نهاد به معنای نظام سازمان یافته و پایداری از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای تأیید شده و یکنواختی را در جهت برآورده ساختن نیازهای بنیادی جامعه، ایجاد می‌کند.

مدل‌های توسعه بر اساس یکی از پنج نهاد فوق طراحی می‌شوند. پس از قرن هجدهم و تحولات عقلانیت در غرب و تبدیل آن به عقلانیت ابزاری بنای غرب بر حداکثر سود و منفعت قرار گرفت. از این رو غربی‌ها با مدل توسعه‌ای که اقتصاد را محور خویش قرار می‌داد به دنبال بیش‌ترین منفعت و سود از جهان بودند. پس از این دوران شاهد تحولات بسیار در ساحات مختلف زندگی و تنظیم آن‌ها بر اساس کسب حداکثر سود هستیم. در پی کسب حداکثر سود، دیگر این مرد خانواده نیست که باید برای سودآوری کار کند بلکه زنان نیز باید با به پای مردان برای کسب سود بیشتر فعالیت کنند. اما آیا نهاد خانواده به ما اجازه می‌دهد که زن و مرد تمام وقت خود را برای کسب درآمد بگذارند؟

با نگاهی به جامعه شاهدیم با در اولویت قرار گرفتن رفاه و سود حداکثری، زنان حاضر شدند به قیمت ضربه زدن به خانواده خود پا به عرصه کسب درآمد بگذارند. در نتیجه نهاد خانواده در مصاف با نهاد اقتصاد که محوریت مدل توسعه غربی است کنار گذاشته شد. بروس کوئن در کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی می‌گوید: «چشمداشت‌ها و نقش‌های زن و شوهری، پس از جنگ جهانی نخست، به شدت تغییر کرده‌اند، اما بیشتر این دگرگونی‌ها در مورد

کارگرانی که بر اساس مدل‌های مدیریتی در ساعات تعیین شده باید حجم مشخصی از کارها را انجام دهند و در صورت عدم انجام جریمه و تنبیه می‌شوند مجبورند از ساعت استراحت و نهار خود کم و به ساعت کاری خود اضافه کنند و در این کاهش ساعت اجباراً به سمت غذاهایی که آماده کردن و خوردن آن‌ها کمترین زمان را می‌برد کشانده شدند و این‌گونه فست فودها در سبد غذایی ملت‌ها جای گرفت.

از دیگر پیامدهای مخرب توسعه اقتصاد محور و صنعتی شدن تغییر سبک پوشش به ویژه در زنان بود. پوشش زنان تا پیش از این در غرب نیز لباس‌هایی بلند و گشاد بود. اما از آنجا که این لباس‌ها در کارخانه‌ها و محل کار دست و پا گیر بودند زنان به لباس‌های تنگ روی آوردند آن‌ها مجبور شدند برای آنکه در کارخانه‌ها جایگاهی داشته باشند و بتوانند آزادانه پا به پای مردان کار کرده و بین دستگاه‌های صنعتی رفت و آمد کنند لباس‌های تنگ

پوشند. و این‌گونه لباس‌های تنگ و چسبان جای خود را در کمد لباس‌ها پیدا کردند. صنعتی شدن جوامع و گذر آن‌ها از عصر کشاورزی به عصر ماشین‌آلات موجب گردید تولید از دل خانواده‌ها به کارخانه‌ها منتقل گردد امروز خانواده‌ها تنها مصرف کننده کالاها و خدمات هستند. بروس کوئن در کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی می‌گوید: «در یک جامعه‌ی صنعتی شهری، خانواده بسیاری از کارکردهایش را به نهادهای اجتماعی دیگر واگذار می‌کند.

در این جوامع، به خاطر تقسیم تخصصی کار، هر شخصی کارکرد اقتصادی ویژه‌ای را بر عهده دارد. بیشتر کارکرد اجتماعی کردن نوباوگان؛ زمانی که آن‌ها به سن شش هفت سالگی می‌رسند، از خانواده گرفته‌شده و به مدرسه واگذار می‌شود. بسیاری از کارکردهای اقتصادی نیز از واحد خانواده گرفته‌شده‌اند، بدین‌سان که حکومت از طریق برنامه‌های رفاهی، تأمین اجتماعی، تأمین مسکن

و خدمات بهداشتی، بیشتر مسئولیت‌های مالی تأمین آسایش و رفاه ناتوانان و سالمندان را به عهده گرفته است. کارکرد حفاظتی نیز از خانواده گرفته‌شده و به دولت واگذار گشته و دین و آموزش مذهبی که زمانی در دست خانواده بود، اکنون بر عهده‌ی مؤسسات مذهبی رسمی گذاشته شده است.»

در پی فروپاشی نهاد خانواده و از سوی دیگر حضور زنان در کارخانه‌ها و ادارات و افزایش اختلاط زنان و مردان، بالا رفتن سن ازدواج، پیشرفت تکنولوژی، تغییر سبک پوشش و... بی بند و باری، دوستی‌های نامشروع، روابط نامشروع و در پی آن آمار طلاق افزایش یافت. بروس کوئن در خصوص افزایش آمار طلاق در کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی می‌گوید: «از آنجا که زن و شوهر دیگر تنها به خانواده متکی نیستند، بریدن پیوند زناشویی در یک محیط صنعتی شهری، بسیار آسان‌تر از یک جامعه کشاورزی است.»

اما در مدل رشد و تعالی اسلامی که مبتنی بر سبک زندگی ایرانی و اسلامی است، نهاد خانواده محوریت مدل رشد و تعالی قرار می‌گیرد. در این مدل دیگر سود حداکثر و درآمد بیشتر ملاک نیست. در این مدل خانواده سلول یک جامعه است و قوام زندگی بشر نه به سود و منفعت اقتصادی بلکه به خانواده و تعمیق آن بسته است. لذا می‌بینیم مدل‌ها مختلف اقتصادی و سیاسی در این الگو همه با توجه بنیاد خانواده ارائه می‌گردد. سیاست‌های کلی

با نگاهی به جامعه  
شاهریم با در  
اولویت قرار گرفتن  
رفاه و سود حداکثری،  
زنان حاضر شدند به  
قیمت ضربه زدن  
به خانواده فوراً پا به  
عرصه کسب درآمد  
گزارند.

ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در سال‌های گذشته نشان از این مدعا دارد. در صورت عدم توجه به مدل توسعه و ادامه راه گذشتگان در دهه‌های آینده دچار مشکلات عدیده‌ای خواهیم شد. امید است مسئولین کشوری و قانون‌گذاران نظام بیش از پیش به این موضوع دقت کرده و قدم در راه تغییر مدل توسعه بردارند.



# جهاد کبیر

در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا؛ در سوره‌ی مبارکه فرقان است؛ «به» یعنی به قرآن، «جهدُهُمْ به» یعنی به وسیله قرآن با آن‌ها جهاد کن؛ جهاداً کبیراً. این آیه در مکه نازل شده. درست توجّه کنند جوان‌های عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آن‌ها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه شریفه می‌گوید: وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا. آن کارِ دیگر چیست؟ آن کارِ دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت است.... «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر». این تبعیت نکردن آن‌قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرّر به آن توصیه می‌کند.